

کلی سنی مرا و با رفیقانم به خیر است صلی الله علیه وسلم و معنی آن یعنی احمد  
نزدیکت و از یوسف که در سترین مردمان بود یعنی علیه السلام صحبت  
رسیده است که گفته است آن خیر فی المسیح علیه السلام بدین محمد بن ابی  
و خیر فی به الله کلین من لئله و نبی است با لکرا یمن فامون به و ارا لکرا  
است که عبدالله بن عمرو رضی الله عنه گفته است که ذکر رسول صلی الله علیه  
و کرمته منقلم چنین است عبدالموتول المبین لیس یفیطه ولا علیطه ولا سنی سب  
الاسواق ولا یخزی بالشیبهه فیها و لکن یفیطه و یضیح و لا ینیب حتی یقیم  
السنة العویا و یشهد ان لا اله الا الله و عطار بن یسار رضی الله عنه  
گفته است که از عبدالله بن عمرو رضی الله عنه پرسیدم ای صفت رسول الله  
علیه السلام در توبه چون است گفت چنانکه در قرآن است یا ایها النبیین انما  
ارسلناک بشهدا و نبیة و مذمرا و حمررا اللامین انت عبیدی و رسولی  
سبک المذموم کنت یفیطه ولا علیطه ولا سنی سب فی الاسواق ولا ینیب  
بالشیبهه فیها و لکن یفیطه و یضیح و لا ینیب حتی یقیم السنة العویا  
بان یقول لا اله الا الله فایح یکب اعزنا صفا و اعیننا عینیا و خلوا خلفا  
و از آنکه است که جبرین طعم رضی الله عنه گفته است که چون رسول صلی  
علیه السلام صحبت شد من گوه میباشتم از آنکه رسا یندن تخریش مروی  
و هر امکان آن شد که در او و بجز ایند که بجا شام بهیرون  
چون بدیسی از جریهای ایشان رسیدم اهل آن در پیوسته خود را خبر کرد  
فرمود که سه روز خدمتکاری لاین وی بجای آید چون سه روز گذشت هرگز  
گفتند که

گفته که او نمیره و مرا طلب کرد و گفت تو از اهل حمی گفتی بخت این  
تختین او خوی منوت میکند بی شکی نامی گفته بی دست مرا گرفت و بدیسی  
که در آن صورتها با یکبار کشیده بودند گفت نظر کن که در میان این  
صورت سینه که مبعوث شده است کدام است می بینی نظر کردم صورت  
نزدیم گفته نمی بینم بعد از آن مرا بدیسی نزدیکه و آورد که در آنجا صورتها  
پشت بود از گفت که شب شکر درین صورت و برای منی چون نظر کردم صورت  
رسول الله دیدم صلی الله علیه وسلم و صورت ابو بکر صدیق را نیز که گفتند  
که فیضه است از من پرسید که صورت و برادری کنتم آری و با خود گفتند که با  
نویسم که آن کدام است تا به چشم که وی چو سبک بود گفت صورت وی است  
و شارت بجهت رسول صلی الله علیه وسلم که گفتند آری خدا یا کواهی میدهم که  
این اوست وی نیز گفت کواهی میدهم که صاحب شماس است این خلیفه  
است بعد از وی اشارت بصورت ابو بکر صدیق کرد من گفته هرگز ندیدم  
که چیزی بجز منی مانند باشد مثل اینصورت پس گفت تو می ترسی که بجز من  
من گفته کجا من آن است که کنون از شل بی فارغ شده باشند  
والله که ایشان و ریاضت او هندگشت و وی خواهرگشت آن ترا که قتل وی  
میخواهند و هر شبهه خدای تعالی و میرا غلبه و نصرت خود ابد و برایشان  
و از آنکه است که دشنام من الهی رضی الله عنه گفته است که ای کونین  
در عهد خلافت خود ما شخصی دیگر بر سالت پیش بر قل صاحب روم پس  
تا مرا با سلام خوانم چون غوطه رسیدم چنانکه الایتم الفانی را امر آنرا

ابا بکر صدیق رضی الله عنه